

نوشته ی دکتر ابراهیم بیومی غانم

نگاهی به کتاب "آیا می توان سرهای هیدرا را قطع کرد؟"

ترجمه : احمد مزارعی

"هیدرا" نام موجودی افسانه ای است که هفت سر دارد و هرگاه یکی از سرهای این موجود را قطع کنند، دو سر به جایش خواهد روئید. همچنان که نمی توان با قطع سر "هیدرا" از او خلاصی یافت، مقاومت نیز چنین است، تحت هیچ شرایطی نمی توان بر مقاومت غلبه یافت و آن را نابود کرد. این درسی است که تاریخ به ما در مورد تمام جنبش های مقاومت ملی می آموزد. این نگاهی واقعی به مقاومت است. همچنین این درسی است که اکثر مراکز مطالعات استراتژیکی و امنیتی در کشور اسرائیل از آن آموخته اند. تازه ترین کتابی که در این زمینه انتشار یافته با عنوان "آیا ممکن است سر هیدرا را قطع کرد؟/ جنگ برای تضعیف حزب الله لبنان". این کتاب توسط دانی برکوویچ نوشته شده و در پایان سال ۲۰۰۷، از طرف "انستیتوی امنیت ملی اسرائیل" وابسته به دانشگاه تل آویو انتشار یافته است. این کتاب کمتر از یکسال و شش ماه پس از جنگ ۳۳ روزه لبنان با حزب الله و حدود یکسال پیش از جنگ اخیر غزه علیه مقاومت مردم فلسطین یعنی در پایان سال ۲۰۰۸ و شروع سال ۲۰۰۹، منتشر شده است.

دولت اسرائیل این حقیقت تغییر و تبدیل ناپذیر را به وضوح دریافته است که جنبش مقاومت ملی و توده ای را در کشورهای عربی نمی توان ریشه کن و یا آن را خفه کرد. این مقاومت تا پایان عمر دولت اشغالگر اسرائیل و آزادی سرزمین فلسطین بدون وقفه ادامه خواهد یافت. دولت اسرائیل تمام توانایی خود را صرف این می کند و به این امیدوار است تا شاید بتواند مقاومت سرسختانه ای را که در لبنان به رهبری حزب الله و در فلسطین به رهبری حماس، با آن روبروست، تضعیف کند. این تنها امید دولت اسرائیل است.

اکنون دولت اسرائیل استراتژی تضعیف مقاومت را در پیش گرفته زیرا از عهده نابود کردن آن برنیامده است. دولت اسرائیل در سالهای طولانی با ترور هر عضوی از سازمانهای مقاومت متوجه شد که تعداد بیشتری مقاوم به جایش به میدان آمدند، دقیقا همچون "هیدرا" با قطع هر "سری" دو "سر" به جایش روئیده است. "دانی برکوویچ" یکی از برجسته ترین استراتژیست های اسرائیلی در مسائل امنیتی است و انتخاب کلمه "هیدرا" توسط وی برای عنوان کتاب نشان دهنده راهی است که وی و دولت اسرائیل برای رودروئی با مقاومت در لبنان و فلسطین در پیش گرفته اند.

منظور از تالیف کتاب این بوده است تا به این سئوال پاسخ داده شود: چگونه می توان جنبش مقاومت ملی در لبنان را به رهبری حزب الله تضعیف کرد و این وظیفه هنگامی در راس کار استراتژیست های اسرائیل قرار گرفت که هیئت "فینوگراد" به تواناییهای مقاومت لبنان اعتراف کرد. قابل توجه اینکه "هیئت فینوگراد" عالیترین مرجع تصمیم گیری و قضاوت در اسرائیل است که بجز برای مسائل بسیار مهم که مربوط به امنیت دولت است برگزار نمی شود. نویسنده از این موضع حرکت می کند که تنها از راه تضعیف مقاومت است که می توان خطری را که امنیت ملی اسرائیل در منطقه تهدید می کند، متوقف ساخت. وی باور دارد که مقاومت در لبنان و فلسطین تضعیف نمی شود مگر اینکه اسرائیل بتواند نقش آنان را در معادلات منطقه ای از وضعیت کنونی به درجه ثانوی یا پایین تر تقلیل دهد.

سئوال استراتژیک این است که چگونه می توان این مقاومت را تضعیف نمود؟ آنچه که مولف در کتاب به شرح آن پرداخته بیشتر در مورد تضعیف حزب الله است اگرچه می توان کم و بیش آن را در مورد سازمان حماس نیز مشاهده کرد. آنچه که ما در اینجا به خواننده ارائه می دهیم مطالعه گزارشی از کتاب و نه شرح کامل و گسترده آن و در عین حال اشاراتی خواهیم داشت به وضعیت مقاومت فلسطین در پرتو محتویات کتاب، زیرا این کتاب در مجموعه خود به مقاومت لبنان اختصاص یافته است.

نویسنده کتاب در دو فصل اول به شرح و تحقیق و بررسی عناصر اصلی مقاومت در تشکیلات حزب الله پرداخته و در دو فصل بعدی به این مسئله پرداخته که چگونه می شود این عناصر قدرت و مقاومت را در حزب الله تضعیف کرد. وی سه عنصر اصلی برای تضعیف را بدین شکل برمی شمارد:

۱- قدرت عقیده و ایمان، اصلی که پایداری در امر مقاومت را به هر قیمتی تضمین می کند.

۲- نیروی ریشه دار و عمیق مقاومت در مردم و توانایی در امر گسترش یابی اجتماعی.

۳- توانایی ارتباط گیری در سراسر منطقه میان گروههای مختلف مقاومت بویژه در بعضی کشورهای "عصیانگر" یا (دول "محور شر" براساس توصیف آمریکا) همچون ایران و سوریه.

براساس ارزیابی نظریه صهیونیستی مولف در کتاب، برای به حداقل رساندن توانایی عناصر یاد شده به وسیله و یا وسایلی نیاز است. در مجموع با تضعیف این عناصر و به حداقل رسانیدن توانایی آنها می توان امیدوار بود که هدف استراتژیک ما یعنی تضعیف مقاومت به نتیجه رسیده است.

موضوع فصل سوم و چهارم کتاب این است که چه سیاستهای نظری و عملی را می توان در پیش گرفت که عناصر برشمرده شده تضعیف شوند. در پایان کتاب نویسنده سناریوهایی را پیشنهاد می کند که براساس آن احتمال دارد مقاومت در برابر اسرائیل قدرتمندتر شده و به مقاومت بپردازد.

استراتژیهای تضعیف قدرت ایمان و عقیده

نویسنده می کوشد اسرار جزئیات قدرت عقیده و ایمان بویژه آنگاه که تبدیل به دستاوردهای عملی در میدان می گردد، دنبال کند:

یکی از مهم ترین مقررات قدرت عقیده و ایمان در نزد حزب الله "شهادت" است. شهادت آن چیزی است که قدرت عقیده و ایمان را از سطح نظری به مرحله عملی در زمان و مکانی مشخص به حیطة عمل درمی آورد. شکست ارتش اسرائیل و آزادسازی جنوب لبنان در نتیجه بهره برداری از اعتقاد به شهادت بود. همین نظریه است که نیروهای مقاومت آزادسازی فلسطین نیز در دستور کار دارند و آنان نابودی اسرائیل را از این منظر می گیرند. این خلاصه ای از نظر نویسنده کتاب در مورد شهادت است. وی در ادامه می افزاید:

دولت آمریکا به همراهی اسرائیل باید بکوشند فرهنگ مقاومت را به طرق مختلف در میان مردم منطقه از محتوای اصلی آن تهی کنند. ما باید بتوانیم این فرهنگ را از هر سو محاصره نموده و هر آن کسی که کوچکترین شکی در مقاومت دارد مورد تشویق و پشتیبانی قرار دهیم. این باور فولادین باید به هر شکلی متلاشی شود، زیرا مرجعیت و خطر اصلی مقاومت از این فرهنگ برمی خیزد، فعالیتها و سرزندگی مقاومت از این منبع سرچشمه می گیرد، باید بتوانیم این سرچشمه را بخشکانیم. ما باید از هر امکانی برای وارد آوردن ضربه بر این تفکر بکوشیم. بویژه ما باید بتوانیم به تفرقه در میان اردوگاه سنی و شیعه دامن زده و سپس هر دو را، اردوگاه عربی سنی و محور هلال شیعی را کاملاً از میان برداریم.

موضوع دیگری که باید برای آن اهمیت بسیاری قائل باشیم، این است که ما باید بتوانیم میان دولت سوریه و حزب الله شکاف ایجاد کنیم. این امر می تواند از طریق دادن امتیازات بسیار سخاوتمندانه به دولت سوریه عملی شود. امتیازات ما باید آنقدر سخاوتمندانه باشد که دولت سوریه نتواند از آن سر باز زند و بتواند با استفاده از آن حزب الله را قربانی کند.

عراق و فلسطین نیز دو منطقه بحرانی است که حزب الله می کوشد با دخالت در آنها و به کارگیری نیروهای مقاومت در جهت تضعیف اسرائیل حرکت کند. براین اساس اسرائیل و آمریکا باید کاملاً به این امر توجه کنند که هر پیروزی حزب الله در این دو منطقه موجب تضعیف و شکست هر دو کشور خواهد شد. پیروزی حزب

الله در این دو منطقه به فوریت موجب تزلزل نیروهای سنی وابسته به آمریکا می گردد. دولت آمریکا باید بکوشد که نیروهای بنیادگرای سنی را از عراق و فلسطین به لبنان منتقل کرده و با دامن زدن به جنگ و تفرقه میان جریانات مذهبی بویژه سنی و شیعه موجب تضعیف همه آنها و در عین حال موجب سست شدن باورهای مذهبی و در نتیجه ی روحیه مقاومت در میان آنان شود. این امر در صورت موفقیت تاثیر به سزایی حتی در نیروهای جوان و نسلهای آتی خواهد داشت.

در این صورت و تنها با این سیاست است که اسرائیل می تواند به اهداف خود که همانا وارد آوردن ضربه بر قدرت عقیده و ایمان حزب الله در لبنان است، جامه عمل بپوشند.

برکوویچ هشدار می دهد که حزب الله به ارتقا سطح دانش افرادش بیشتر از صرف عمل برخورد و جنگ اهمیت می دهد. برای این منظور حزب الله سرمایه گذاری هنگفتی در زمینه تبلیغات به کار انداخته است. کانال تلویزیونی بسیار عظیم و گسترده "المنار"، ایستگاههای متعدد رادیویی، ایستگاههای بسیار زیاد اینترنتی بویژه به زبان عبری، انتشار کتابها، نشریات و نشریات فصلی موجب انزجار و سردرگمی دولت اسرائیل گردیده است. حزب الله با این کار خود انحصار سنتی "تنها به قاضی رفتن" اسرائیل را طی دورانی طولانی در هم شکسته است. هم اکنون جهانیان به روایت تازه ای از اوضاع سیاسی در خاورمیانه دست یافته اند که حاوی توضیحات دقیق علمی و تحلیل های سیاسی از نیروهای مقاومت در منطقه می باشد. این امر موجب شده که فریبکاریهای تاکنونی رژیم اسرائیل برملا شده و صدق گفتارهای اسرائیل تاکنون به زیر سوال برود. افکار عمومی جهان شاهد نظرات تازه و شنیدن حقایق تازه ای هستند.

پیروزی حزب الله در جنگ اطلاع رسانی در عرصه جهانی موجب آن شد که نیروی مقاومت در فلسطین نیز دست به تاسیس یک پایگاه اطلاع رسانی بزند که هر روز در حال گسترش است. دو کانال تلویزیونی اقصی و قدس که به تازگی

تاسیس یافته اند به لحاظ جدیت برخورد به مسائل و تحلیل و تشریح وقایع از لحاظ موضوعی در این مدت کوتاه جایگاه معتبر و محترمانه ای را برای خود در میان شنوندگان و بینندگان به دست آورده و این دو کانال از بسیاری کانالهای کشورهای عربی با دهها سال سابقه پیشرفته تر است. تجزیه و تحلیل های دقیق و علمی این دو کانال موجب شده تا تبلیغات سوء و دروغ را که از هر سو علیه سازمان حماس ساخته و پرداخته شده و انتشار می یابد، خنثی شود.

از آنجا که نیروی عقیده و ایمان تعیین کننده و سرمایه اصلی مقاومت در مبارزه با اسرائیل است، لذا برکوویچ پیشنهاد می کند که ما باید چهره تازه ای از مقاومت ساخته و ارائه دهیم که براساس احزاب، جنبشها و رهبران اما براساس تعریف طائفه ای و مذهبی سنی و شیعی تبلیغ شود.

برکوویچ ادامه می دهد: مقاومت لبنان در بسیاری زمینه ها برتری خود را در زمینه های تبلیغاتی بر اسرائیل نشان داده است. تبلیغات حزب الله نشان داده است که قدرت عقیده و ایمان تنها کلمات نظری و گفتاری نیست، بلکه این شیوه انتقال و توضیح آگاهی در میان پیروان، به سرعت تبدیل به نیروی جنگنده در میدان می گردد. حزب الله موفقیت های چشمگیری در این زمانه داشته است. هم اکنون نیروهای مقاومت در لبنان و فلسطین به این نتیجه رسیده اند که می توانند برندگان اصلی معرکه علیه اسرائیل باشند. آنان قاطعانه به آزادی بیت المقدس باور دارند.

حزب الله در جنگ انتقال آگاهی و تجزیه و تحلیل های دقیق از اوضاع منطقه موفق شده توده های وسیعی را در منطقه به حقانیت سیاستهای خود باورمند سازد. اکنون اکثریت عظیمی از مردم باور دارند که اسرائیل جنگ افروز بوده و به اعمال غیرقانونی دست زده است. مقاومت لبنان توانسته است در این زمینه تعادل را به سود خود برهم زند و به اثبات برساند که اسرائیل در این معرکه شکست خوردنی است. روایت معروف "بیت العنکبوت" (۱) که حزب الله از ارتش اسرائیل ارائه داده است در جنگ ۲۰۰۴، به حقیقت پیوست و هاله مقدسی که ارتش اسرائیل به دور خود کشیده بود درهم ریخته شد.

آنچه که دانی برکوویچ در اینجا تبلیغ می کند مبنی بر اینکه مقاومت لبنان دست بالا را در جنگ تبلیغاتی داشته تا حد زیادی مبالغه است، وی عمدا می خواهد حجم بسیار عمده تبلیغات جهانی که در دست صهیونیست ها است و تاثیر گسترده آن بر افکار جهانی را کم اهمیت جلوه داده و دست آوردهای تبلیغاتی مقاومت را مورد سؤال قرار دهد. در این زمینه نیز مبارزه ای استراتژیک در جریان است که به زودی پایان نمی یابد.

استراتژیهای تضعیف ارتباط عمیق توده ای مقاومت

مسئله بسیار مهمی که اهمیت استراتژیک دارد، تضعیف قدرت و توانایی های حزب الله در زمینه ارتباط و ارتباط گیری و ریشه دوانی آنان در میان عامه مردم است. دولت اسرائیل باید با در پیش گرفتن سیاستهایی بتواند شرایطی ایجاد کند تا مردم از مقاومت متنفر گردند و از آن دوری گزینند. سیاستهایی که بتواند مشکلات اقتصادی را در جامعه گسترش داده تا بدینوسیله مردم مقاومت را مسئول این مشکلات دانسته و از آن دوری گزینند. چگونه می توان این سیاست را موفقیت آمیز به پیش برد؟

در این زمینه می توان استراتژیهای متعددی با ابعاد و ابزارهای مختلفی در پیش گرفت که به برخی از آنان اشاره می شود: تحمیل محاصره اقتصادی و ایجاد گرسنگی در میان مردم، سیاست مهاجرت و جابه جا کردن، وارد آوردن ضربه های دردناک بر شهرها و روستاها تحت نام وجود نیروهای مقاومت در آن اماکن، ایجاد پوشش گسترده تبلیغاتی مبنی بر اینکه بمبارانها و محاصره اقتصادی به خاطر وجود مقاومت و برای دفاع از خود توسط اسرائیل انجام می گیرد، تبلیغ دائمی مبنی بر اینکه نیروهای مقاومت تروریست بوده و مسبب مشکلات و جنگ آنان هستند. آری با این سیاستها می توان نیروهای مقاومت را از محیط اجتماعی خود منزوی و آنان را از بهره برداری از شرایط طبیعی اجتماعی خود محروم ساخت.

برکوویچ در ادامه می افزاید: سرمایه اصلی مقاومت لبنان پشتیبان گسترده اجتماعی است. به علت حمایت بی قید و شرط شیعیان لبنان از مقاومت، آنان به عمده ترین نیروی سیاسی در لبنان تبدیل شده اند و در سالهای اخیر بر قدرت خود افزوده اند. هم اکنون آنان یک سوم جمعیت لبنان را تشکیل داده و در آینده نزدیک آنان به نیروی قالب در لبنان درخواهند آمد. هم اکنون در لبنان اوضاع چنان است که پشتیبانی از حزب الله به مثابه کارت ورودی به عرصه مشروعیت سیاسی کشور است و تقسیم بندیهای مذهبی و طایفه ای لبنان این وضعیت را تحمیل می کند. براین اساس هر چه شرکت حزب الله در ارگانهای مختلف ساختمان دولتی بیشتر شود، همپای آن ریشه های اجتماعی آنان نیز عمیق تر و در نتیجه قدرت آنان نیز توسعه می یابد.

یکی از خطرناک ترین دست آوردهای حزب الله ایجاد شبکه های گسترده خدمات اجتماعی است. این شبکه ها خدمات متعددی را به گروههای مختلف ارائه می دهد، خانواده ها، موسسات دولتی و نیمه دولتی نیز می توانند از این خدمات استفاده ببرند. این موضوع یکی از اسرار اصلی ریشه دوانی حزب الله در میان بخشهای گسترده ای از ملت لبنان است. گروههای مختلف اجتماعی، عشایر و خانواده های آنان هر روز جذب آنان می شوند. تا هنگامی که این شبکه های بسیار گسترده خدمات اجتماعی و در نتیجه ارتباط مردم با مقاومت وجود دارد، ایجاد مخالفان با مقاومت و کشاندن آنان تا حد مخالفان سیاسی بسیار مشکل و اسرائیل راهی طولانی در پیش دارد تا بتواند این مرحله را بپیماید.

موفقیت حزب الله از نظر اجتماعی و وجود رابطه گسترده آنان ما را وامیدارد که بتوانیم برنامه ها را تنظیم کنیم تا پروژه های خدماتی شهری که در خدمت حزب الله قرار داشته و یا میتواند به نوعی در جهت تبلیغات برای آنان درآید از میان برداریم و یا آنان را نیمه فلج کنیم. نباید به این موضوع اهمیت دهیم که این موسسات، خدمات انسانی و یا مدنی انجام می دهند. اسرائیل همیشه مورد انتقاد سازمانهای حقوق بشری و موسسات دیگر کمک رسانیهای انسانی از جمله سازمان ملل متحد

قرار گرفته است، اما تاثیرات منفی این انتقادات به دولت اسرائیل، نسبت به اهداف کوتاه مدت و درازمدت ما در برابر هدف عمده ما که همانا توقف پیشروی مقاومت است، چندان مهم به نظر نمی رسد. رهنمودهای فوق در مورد سازمان حماس نیز صادق است. هم اکنون نفوذ سیاسی و اجتماعی حماس هر روز در میان مردم فلسطین بیشتر می شود. این نفوذ نه فقط در سرزمین های اشغالی بلکه در میان ساکنان اردوگاهها نیز رو به گسترش است. هر چه این نفوذ گسترش بیشتری یابد احتمال تبعیت این سازمان از برنامه صلح آمریکا - اسرائیل، کمتر می شود و موجب وارد شدن ضربه محکمتری بر روند قرارداد صلح اسلو می شود.

استراتژیهای تضعیف قدرت ارتباطات منطقه ای مقاومت

برای تضعیف کردن ارتباط مقاومت با قدرتهای منطقه ای بویژه ایران و سوریه دو راه در پیش داریم؛ وعده دادن امتیازات به همراه تهدید، این دو می تواند در این امر به ما کمک کند. ما باید بتوانیم بر محتوای بسته های پیشنهادی امتیازات خود آنچنان بیفزاییم تا این کشورها بپذیرند که داشتن ارتباط با حزب الله و سایر جریانات مقاوم به سود آنها نیست و در نتیجه آنان به ما بپیوندند.

اهمیت وجود ارتباط میان مقاومت در لبنان با دو کشور فوق موجب آن خواهد شد که آنان بتوانند زمانی طولانی تر بر مقاومت خود ادامه دهند و در نتیجه مشکلات بزرگی را برای دولت اسرائیل خلق کنند. ما باید بتوانیم ارتباط هر دو نیروی مقاومت لبنان و فلسطین را از این امتیاز محروم کنیم. رابطه میان مقاومت لبنان و فلسطین، سوریه و ایران مثلث اسراتژیکی به حساب می آید که رویهم رفته محور مقاومت منطقه را تشکیل می دهند.

از محتوای توضیحات و نظرات آقای برکوویچ چنین برمی آید که اسرائیل تاکنون کوششهای فراوانی بویژه در مورد سوریه به کار برده تا مگر بتواند در رابطه این کشور و حزب الله تاثیر گذارد ولی موفقیتی نداشته است، بویژه در مورد بازگرداندن

بلندی های جولان و تحویل آن به سوریه. دولت اسرائیل بارها آمادگی خود را مبنی بر بازگرداندن بلندیهای جولان در مقابل قطع رابطه سوریه و حزب الله اعلام داشته است. همین سیاست اسرائیل در مورد مقاومت فلسطین نیز دنبال شده است، زیرا تعداد زیادی از رهبران سازمان حماس در سوریه به سر می برند. دولت اسرائیل هنگامی که موفق نشد رهبران حماس را در سوریه یا به قتل برساند و یا آنان را مجبور به خارج شدن از سوریه نماید، خود مجبور گردید در جنگ اخیر به طور یکجانبه آتش بس اعلام کرده و از غزه خارج شود که در نتیجه موجب تقویت جبهه مقاومت فلسطینی گردید. همین اعلام آتش بس یکجانبه و فرار از جنگ لبنان نیز موجب پیروزی حزب الله در لبنان و شکست ارتش اسرائیل در آن جنگ گردید.

مراکز اصلی تصمیم گیریهای استراتژیک در اسرائیل راههای مختلفی را برای از میان برداشتن حزب الله از سر راه خود در پیش گرفته اند. یکی از این نظرات به نام "استراتژی شقه کردن منظومه شمالی" می باشد. هم اکنون آمریکا و اسرائیل بر روی این برنامه کار می کنند، زیرا به نظر آنان حلقه ضعیف در منطقه، سوریه می باشد. سوریه را می توان یا با جنگ و یا با دادن امتیازات "شقه" کرد، در صورتی که این امر در مورد ایران امکان ندارد، زیرا ایران کشوری قدرتمند است و توانایی مقاومت در زمینه های مختلف را دارد.

برکویچ ادامه می دهد:

کوتاه ترین راه برای وارد آوردن ضربه بر مقاومت لبنان و فلسطین با هم ساقط کردن حکومت اسلامی در ایران است، زیرا دولتی که بعد از سقوط رژیم بر سرکار آید متعادل تر خواهد بود و در آن صورت سیاست چماق و نان شیرینی به سهولت می تواند بر تعدیل رابطه میان ایران و حزب الله موثر واقع شود، اما علیرغم اینکه آمریکا نیز با این سیاست موافق است بویژه به علت فعالیت های هسته ای ایران جامعه جهانی نیز به شدت مخالف سیاست های دولت ایران است، اما حالتی نامطمئن و همراه با شک و تردید وجود دارد که بتوان مردم ایران را از درون علیه رژیم اسلامی

به حرکت درآورد، امری که موجب می شود استراتژی سرنگونی رژیم شانس کمتری داشته باشد، بویژه در مورد اسرائیل باید گفت ما تاثیر بسیار ضعیفی در این راه می توانیم داشته باشیم.

در مورد ایجاد اختلاف میان ایران و سوریه که هم اکنون این دو کشور رابطه ای استراتژیک دارند، بسیار با ارزش و از اهمیت زیادی برخوردار است. اگر دولت اسرائیل موفق به ایجاد اختلاف و شکاف میان ایران و سوریه شود به راحتی خواهد توانست مقاومت را در بین این دو به تجزیه و شکست بکشاند. از نظر استراتژیکی به نفع ما خواهد بود تا بتوانیم در شرایط فعلی میان ایران و مقاومت لبنان شکاف ایجاد کنیم، زیرا ایران نه فقط پشت جبهه سیاسی و ایدئولوژیک حزب الله به حساب می آید بلکه ایران تنها پشتیبان اصلی حزب الله است و غیر از ایران آلترناتیو دیگری در مقابل حزب الله نیست که بتواند بر روی آن تکیه کند.

براین اساس وارد آوردن ضربه بر رابطه میان ایران و مقاومت لبنان زمینه ای فراهم خواهد آورد تا ما بتوانیم سایر برنامه های خود را در منطقه به پیش ببریم. برای توضیح بهتر نظر خود ما باید روی این پیامدها تامل کنیم: اگر مقاومت لبنان از ایران فاصله گرفت پس از آن برای سوریه جاذبه ای ندارد و در نتیجه این مقاومت موارد قدرت و پایداری خود را از دست می دهد و دیگر نمی تواند تهدیدی برای امنیت کشور اسرائیل به حساب آید.

آقای برکوویچ نتایج مطالعات و نوشته های خود را که از نظر استراتژیک بسیار مهم است در این کتاب به صورت پنج سناریو ارائه می دهد که توضیح و تشریح آن در این نوشته ی کوتاه مشکل است. علاقمندان باید اصل کتاب را مطالعه کنند تا به مجموع نظرات استراتژیک وی آگاه شوند، اما در عین حال هدف اصلی مولف این بوده تا به این سؤال پاسخ دهد: "آیا ممکن است سرهای هیدرا را قطع کرد؟"

توضیحات مترجم:

* برگرفته از سایت الجزیره Aljazeera.net

دکتر ابراهیم بیومی غانم استاد علوم سیاسی و رئیس بخش مطالعات تطبیقی افکار عمومی در مرکز مطالعات اجتماعی ملی قاهره است.

۱- در مورد عملیات نظامی و استشهادی حزب الله:

از سال ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۹، ۱۰۰ عملیات

از سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۵، ۱۰۳۰ عملیات

از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۰، ۴۹۲۸ عملیات

بدین شکل اسرائیلی ها را مجبور به تخلیه لبنان کردند. در عملیات استشهادی حزب الله در لبنان بیشترین افراد شرکت کننده اعضای حزب کمونیست لبنان بودند. طی ۲ عملیات استشهادی در مقر فرانسویها و آمریکاییها، اولی چهارصد فرانسوی و دومی ۲۲۰ آمریکایی به قتل رسید و موجب شد که اینان نیز به سرعت خاک لبنان را ترک گویند. نوشته کریس هارمان

۲- حزب الله لبنان به منظور آموزش زبان عبری از دوره ابتدایی دانش

آموزانی را تا سطح عالی تخصصی زبان عبری آموزش می دهد و آنان به درستی از اداره کردن برنامه های رادیویی، تلویزیونی و مطبوعاتی عبری حزب الله برمی آیند.

۳- پس از شکست ارتش اسرائیل در ۲۰۰۶، حزب الله در حومه بیروت

جایگاهی را به شکل خانه عنکبوت، اما بسیار بزرگ ایجاد نمود که در لابلای تارهای آن سران سیاسی و نظامی اسرائیل به صورت عنکبوت چسبیده بوده و با وزش باد مصنوعی آنان به حرکت درمی آیند. این جایگاه بیشتر برای جلب توریست ساخته شده بود.

الکس فیشمان، تحلیل گر روزنامه هارآتص اسرائیل نیز پس از شکست

اسرائیل کتابی در ۷۰۰ صفحه با عنوان "بیت العنکبوت" تالیف نمود که جزو پرفروش

ترین کتاب آن سال بود، هدف فیشمان، نشان دادن پوشالی بودن ارتش اسرائیل در یک جنگ واقعی بود.

۴- حزب الله لبنان موفق شده در لبنان با گروههای مهمی همچون، حزب کمونیست لبنان، حزب کار لبنان، حزب میشل عون که نمایندگی ۷۰ درصد مسیحیان لبنان را دارد، اتحادیه های کارگری و بسیاری احزاب و سازمانهای مسیحی و سنی دیگر وارد یک ائتلاف شود و امور کشور را با کمک یکدیگر به پیش برند.

* این ترجمه قبل از شروع جنگ فعلی بر علیه سوریه انجام گرفته است با وجود این نظر به اطلاعات گسترده و استراتژیکی که در آن آمده مجددا در سایتها قرار داده میشود تا مبارزان راه آزادی بویژه کمونیستها درک عمیق تری از اوضاع خاورمیانه بدست آورند، زیرا بدون داشتن آگاهی درست و استراتژی ماتریالیستی و طبقاتی نمیتوان جهت دقیق وارد آوردن ضربه به دشمنان آزادی و طبقاتی را تشخیص داد.

Your screen elements are hidden from view. Press Esc or move pointer to the center of the screen to return to Mail.

Press Esc or move pointer here to return to Mail.

by on

by

Wine

So fresh and so clean.

- [All](#)
- [Photo](#)